

کوشیار (ابوالحسن الگیلی)

دکتر علی مظاهری
ترجمه استاد جعفر خمami زاده
بخش دوم



مذکور است.»

نام کوشیار با «کاف» عربی می باشد، و ایرانیان به آن «کوشیار» می گویند، زیرا تا پایان سده های میانه ایرانیان علامت خاصی برای یادداشت شیوه خط عرب ها به کار نبرده اند، یعنی از حرف «کاف» به صورت «گاف» استفاده می کردند. چه پدرش لبان تا چندی پس از تولد کوشیار کوچک، و چه کوشیار خودش، هنگامی که بزرگ شد از دین زردشتی برگشته و اسلام آوردند (اسلام زیدی؟). نام کوشیار واژه ای زردشتی است، در حالی که کنیه او «ابوالحسن» نامی شیعی است و در نتیجه بنابر تحقیق تنها حضرت علی علیه السلام این نام را بر خود نهاد.

نام زردشتی با پایانه «یار» مانند بهمن یار، دین یار، هرمزدیار و جز این ها نام هایی هستند که در سرزمین های ساحلی دریای خزر زیاد متداول می باشند. قسمتی که پیش از بخش پایانی «یار» واقع می شود، همیشه نام یکی از ۳۰ روز، یا در اصل ۲۸ و یا ۲۹ روز ماه زردشتی ها است. بدین سبب است که در نام های بهمن، دین، هرمزد

به نظر تروپفکه Tropfke و به دنبال اومی یلی Mieli، کوشیار اصلاً یهودی بوده است. اما این نظر از سوی پل لاکی Paul Luckey مردود و باطل شناخته شده است. او ابراز چنین عقیده ای را قرار گرفتن تحت تأثیر واژه «لبان» یعنی نام پدر کوشیار، می داند. به هر تقدیر هم آهنگی سامی واژه لبان چیزی را ثابت نمی کند و در این مورد بیهقی (تتمه صوان الحکمه، ص ۸۳، نشر محمد شفیع، لاهور ۱۹۳۵) به ما می آموزد که نام پدر کوشیار واژه ای است دیلمی به معنای «اسد» یا «شیر». بنابراین لبان در گویش دیلمی به معنی «شیر» است و ربطی به سامی ندارد [۴].

اما در مورد کوشیار باید گفت که این واژه یک اسم اصلی زردشتی است، که برخی آن را به «السعید» ترجمه کرده اند. این واژه در زبان عرب مفهوم خوشحال یا خوشبخت را می رساند. «ابوالحسن کوشیار بن... الگیلی»، که نام مؤلف است، در آغاز نسخه خطی ۱۱۲۳ ش. کتاب فی صناعته الاحکام... کتابخانه البلدیة اسکندریه،

فقط در بعضی حالات و در روش سال چینی ها در شب های ۱۳ و ۱۴ بعد از ماه تازه، موقعی که ماه داخل علامت خرگوش می شود خطر ماه گرفتگی می تواند وجود داشته باشد، مسلمانان در حالتی که قمر داخل عقرب می شود می گویند قمر در عقرب شده است، و این تنها شبیه حالتی است که نابغه باهوش و خوشبخت، با سر، گوش (کوتاه شده اسم خرگوش) می توانست با کار خود فرصت و موقعیت کسب لیاقت و شایستگی را داشته باشد. در روش ساسانی ها که در آن ماه ۱۰ روز حساب می شود، هر ماه و یا هر سال از این نظر دارای ابهام است، فرصتی به دست نمی آید.

مردم دشت و صحرا به دنبال پیش بینی ماه گرفتگی نیستند تا بخواهند به کمک ماه بشتابند، اما مثلاً مردمی که در اطراف شهر تهران زندگی می کنند، به هنگام ماه گرفتگی رسم گوشیار را به شکل (فالگوش) برپا می دارند، فالگوش جای واژه خرگوش به کار رفته، بنابراین در شرکت با خرگوش سعادت مند « السعید گوشیار » خرگوش که طبل خطر را می نوازند مردان و زنان عامی و بیسواد، از این خانه و آن خانه بیرون می روند و در حالی که با چوب یا وسیله ای دیگر روی ظرف های مسی می کوبند می خواهند از هر جا که باشد مقداری آتش نذری برای نجات ماه بگیرند. در این گونه موارد معمولاً به آنان چیزهایی داده می شود ولی هرگز پولی به آن ها نمی دهند.

افسانه روستاییان فرانسوی که می پندارند شکل خرگوشی را در ماه می بینند، شاهد زنده ای از این پندار کهن ستاره شناسی و نجومی است. در مورد خرگوش و در داستان طبل و همچنین در مقاومت ماه، باید خرگوش را که حامی آسمانی ماه و ماه گرفتگی است در نظر گرفت.

خرگوشی که اسپانیایی ها کونخو Conejo می نامند غاصب و تجاوزگری است که از مکزیکی آمده است و او را باید جانشین خرگوش کهنسال (چینی - ایرانی) دانست. در سانسکریت به ماه لقب و عنوان (صاحب و ارباب خرگوش) داده شده است. نقش خرگوش سعادت مند (فیروزالارنب) در یکی از افسانه های کلیه و دمنه به صورت زیر منعکس شده است: «فیل ها»، که همه آب های جنگلی را، که در آن زندگی می کردند، تمام و خشک کرده بودند به قلمرو خرگوش ها، سرزمین چشمه های روشن و دریاچه های زیبا و قشنگ، که در جزایر باد ۹ واقع شده بود سرازیر شدند. پا به زمین کوبیده و آن جا را پایمال می نمودند. خرگوش ها که شاهد نابودی سرزمین خویش به وسیله این حیوانات وحشی بودند به نزد پادشاه خود به شکایت رفتند. شاه با وزیرش که «فیروز» نام داشت به مشورت پرداخت و از او چاره خواست.

در روایات بودایی از خرگوش به عنوان باهوش ترین حیوانات یاد شده است، نوعی هوش و فراست که همیشه به دنبال خوبی ها است، نه از نوع هوش روباه که چاپلوس است و به دنبال کارهای شیطانی است. لازم به گفتن نیست که فیروز یا بهروز از بهترین وزیرها بود. او به پادشاه خود با اطمینان قول داد این وضع را از میان بردارد، از این رو به اردوی آن حیوانات وحشی و مغرور رفت و برای این که گیاهان دشت زیر پایش شکسته نشوند از روی تپه ها و بلندی ها راه می رفت. نزدیک دریاچه عین القمر (تالاب ماه) که بهترین دریاچه های عالم بود به پادشاه فیلان برخورد. شب فرامی رسید.

خرگوش سعادت مند، آن قدر منتظر ماند تا مرکز ماه به دایره نصف النهار رسید (کاشفی، انوار سهیلی، برلین، ۱۳۴۱، ص ۱۹۹، برگرفته

که به عنوان مثال ذکر شده اند جای «چندم» زردشتی را می گیرند، که بدون شک روز تولد یک کودک است. در نتیجه به محض این که پسری به دنیا آمد طالع او را می بینند و برای این کار دانستن ساعت، روز و ماه تولد کودک را دارای اهمیت می دانند. ضرورت طالع بینی نزد زردشتی ها از فرهنگ «میتراپی» یا مهرپرستی گذشت و مانند عادت های ساده مبنی بر موهوم پرستی، که بعضی ها آن را دنبال می کنند، به دیگر اقوام رسید. اما در عین حال می بینیم که تعداد زیادی از مردم این نوع تفکر را به دور افکندند.

باری، طالع بینی در نزد زردشتی ها شکل تعمیم در نزد عیسویان را داشت، و منظور از این کار مقدس شناختن نوزاد بود، چون می بایست به هنگام عروسی وی او را موجودی مقدس و بیگناه بدانند. در این مورد با توجه به نام گوشیار می توان فهمید که بخش اول نام او گوش می رساند که روز تولدش سیزدهمین روز از ماه زردشتی بوده است. ماه زردشتی اصولاً مانند ماه قمری دارای ۲۸ یا ۲۹ روز بود که با ماه های قمری چینی ها مطابقت دارد. بنابراین سیزدهم ماه قمری که با خطر ماه گرفتگی «خسوف» همراه بود، شب زنده داری می کردند، و از همین رو است که ویژگی های فکر پلید نحس بودن روز سیزده پیدا شده است. یک دیو یا یک اژدها و در واقع یک اهریمن به شکل خسوف ماه را مورد تهدید قرار می دهد، خوشبختانه یک نابغه که دارای هوش و فراست خرگوش است با علامت ستاره آنتاره Antares (ستاره عقرب) و چند ستاره دیگر، از جمله ستاره آلفا و میزان روی ماه که مورد تهدید واقع شده بیدار می ماند و از او مراقبت می کنند، و با استفاده از هوش و فراست خود اژدها یا اهریمن را به کنار می زنند (علی مظاهری، «مناسبت نجومی خرگوش با ماه»، مجله ارمنغان، شماره های ۹ و ۱۰، سال سی و دوم، ۱۳۴۲، تهران صفحه ۲۸۵-۳۹۲ و ۴۳۹-۴۴۶).

حتی امروز هم (۱۹۶۴) در شب سیزده، چهارمین ماه زردشتی، به گویش گیلکی - تیری ما، سزی شو Tiri Ma Sezi Sho - مطابق شب دهم نوامبر، ایرانیان ساکن کرانه های جنوبی دریای خزر مراسم زیادی را برپا می دارند که گوشیار یا گوشیار می نامند (صادق کیا، فرهنگ طبری، تهران، ۱۳۲۷، ص ۳۴۸-۳۴۹). بدین ترتیب که در هر خانه تعداد زیادی شمع روشن می کنند، و به همان شکل که در شب کریسمس یا میلاد مسیح انجام می شود، یا در جشن رسیدن سال نو صورت می گیرد. این همان است که ملامظفر در «شرح بیست باب» خود روایت کرده و روز ۱۳ از چهارمین ماه سال را (نوروز طبری) می نامد.

اما در زمان ما، با توجه به سال تازه ساسانیان که سالی ۳۶۵ روز بدون کسری یا گسیختگی می باشد با درجه نهم علامت شیر مطابقت دارد. این سال (۱۹۶۴) در روز ۱۴ اولین ماه زردشتی در آسمان تهران قمر داخل عقرب می شود.

ماه های قمری برای پیشگویی نجومی مورد استفاده قرار می گیرند، اما تقابل خورشید و ماه جز در روز اول سپتامبر رخ نمی دهد و هیچ گونه خطر ماه گرفتگی نه در ۱۳ اوت و نه در اول سپتامبر وجود ندارد [۵].

به روشنی مشاهده می شود که خطر ماه گرفتگی شب ۱۳ مفهومی جز این ندارد که ماه به طور قطع یک ماه قمری است و ماه های زردشتی هیچ ربطی به اصل و ریشه چنین امری ندارند. در حالی که سال چینی ها به طور بسیار دقیق سال شمسی است، بنابراین

شده از کلیله و دمنه فارسی، تهران ص ۲۰۷ و کلیه و دمنه عربی ابن مقفع، قاهره ص ۲۰۷) و بعد با صدایی بلند شاه فیلان را صدا زد و گفت: من از سوی ماه آمده‌ام، ماه می گوید که از دیدن تو و ملت تو که سرزمین او را اشغال کرده و خود را در دریاچه او شسته اید ناراحت و خشمگین است، و نیز می گوید اگر تا صبح فردا از سرزمین او بیرون نروید به شما خواهد تاخت و آن وقت خواهید دید که او تا چه پایه قدرتمند است، چه دلیلی وادارت می سازد که در برابر او مقاومت کنی؟ شاه فیلان به سوی دریاچه برو و خرطوم خودت را در آب دریاچه فرو ببر تا بتوانی خود را بشویی و غسل کنی، پیش از آن که پشیمان شوی و از دریاچه بیرون بیایی. فریاد او در فیل اثر کرد، فیل به آب آرام دریاچه نگاه کرد و عکس کامل ماه را در آن دید، خرطوم خود را در آب فرو برد، اما انگار که بدنش یک پارچه یخ شد، فریاد کشید: آه، ماه دارد حرکت می کند، به گمان شما او خشمگین شده و بر شما غضب کرده است؟ زود تعظیم بکن و عذر بخواه! وگرنه من نه به سر فرود آوردن تو و نه به سلام ملت تو جوابی نخواهم داد. فیل فوراً اطاعت کرد و قول داد هر چه زودتر خودش با دیگر فیلان آن جا را ترک کند.

و بدین گونه بود که بهروز وزیر به آن اهریمنان مغرور و نادان پیروزی یافت.

رابطه نجومی خورشید و ماه از آن چه که در این افسانه چینی - هندی، دیده می شود فاصله دارد و بدون شک بدان دلیل است که کوشیار در سیزدهمین روز از چهاردهمین ماه زردشتی به دنیا آمد. السعید کوشیار «به نام تعمیدی» خرگوش بهروز ملقب شد و می بایستی مردمش را سعادتمند و خوشبخت بسازد [۶].

مبنای یک تقارن زمانی، میان خانواده کوشیار و شاهان خاندان بویه قطعاً مفید خواهد بود، و برای این کار بهتر است قبول کنیم که با شهری پدر بزرگ کوشیار که از منجمان اخیر بود باید معاصر مرداویج بزرگ (۹۲۸ تا ۹۳۵ میلادی) باشد. زیرا اخترشناسی و طالع بینی همیشه در ایران و در سرزمین های هم مرز آن یک شغل موروثی بود و هنوز هم چنین چیزی دیده می شود. تعداد زیادی از حرفه ها مانند نوشتن رساله روشنفکران هم در گذشته وجود داشته و امروز هم می توان دید، این ها حرفه هایی بودند که از پدر به پسر می رسید. از سوی دیگر، کوشیار، که در سال ۹۷۱ میلادی به دنیا آمده - شاید هم کمی پیش از درگذشت پناه خسرو بزرگ عضدالدوله (۹۸۱-۹۴۸ م.) او اجازه داشت مانند پدر بزرگ خود لبنان، خواه به دربار این پادشاه و خواه به دربار یکی از شاهزادگان و پسران او به کار نجوم و اخترشناسی اشتغال ورزد و به دربار آنان وابسته شود، خواه به دربار همانند یکدیگر در ایران سلطنت می کردند و یا عموزادگانشان که به عنوان امیر در بغداد حکومت داشتند.

اینک نام پادشاهان خاندان بویه (۱۰۶۲-۹۳۲ م.) که از دیلمان برخاسته و به شیعه اثنی عشری گرویده بودند و هرگز هم با دو شاخه شیعه اسماعیلی و یا شیعه زیدی ترکیب نشدند؛ آنان در عین حال که از بنیان گزاران بزرگ، از عالمان والای دینی معتزلی و از دوستداران بزرگ ریاضیات شمرده می شدند، از بزرگترین حامیان دانشمندان علوم دینی، علم منطق و ریاضیات بودند که اسلام در سده های میانه عرضه نموده بود.

پاورقی ها :

۱- این مقاله ترجمه ای است از مقدمه زنده یاد دکتر علی مظاهری بر ترجمه فرانسوی اصول حساب هندی کوشیار گیلی.

۲- نگاه کنید به، گنجینه های ایران، ژنو، آلبر اسکیرا Albert Skira، ۱۹۷۰.

۳- نک: به کتاب ما، خانواده ایرانی در ازمنه پیش از اسلام، پاریس، ژ.پ. مزون نوو، ۱۹۳۸.

۴- جانییزم یا جینییزم در واقع واکنشی بود که علیه مبادی و افکار منتشره برهمنان به وقوع پیوست. در آن زمان که طبقه برهمنان (روحانیان) مدعی برتری و تفوق اجتماعی روحانی بر دیگر طبقات و اصناف اخلاق بودند بسیاری از مردم که در طبقه امراء و اعیان قرار داشتند، از جمله مهائیزا که بانی و مؤسس جینییزم بود تسلیم آنان نشده و با کمال صراحت عقاید خود را در مقابل آن ها ابراز داشتند.

جان ناس، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، چاپ دوم، تهران، ۱۳۴۸ ص ۱۱۱.

۵- کنفوسیانییزم یا مذهب نیک بینی انسانی بر پایه رعایت اخلاق انسانی تأسیس یافته و در آن مقرراتی برای اصلاح جامعه وضع شده بود. کنفوسیوس با آن که در جامعه ای دموکراتیک زندگی نمی کرد، ولی در حالی که حقوق اشراف و فرمانروایان زمان خود را شناخته بود نصیحت می کرد که اگر حکومت از مردم است لاقبل باید برای مردم باشد و حاکمان باید به نیازهای عمومی مردم جواب بدهند. همان، ص ۲۵۱ م.

۶- تاؤئییزم مذهب عامه مردم چین و مبتنی بر پرش ارواح و طبیعت و احترام به اجداد و گذشتگان است. مبادی این را حکیمی به نام لائوتسو Lao_ teseu در سده ششم میلادی وضع نمود. همان، ص ۵۱۱ م.

۷- حکیمیان فراموش می کند که به ما بگوید که همین مباشر در اواخر عمرش، ۹۶۱ توسط شاه ایران رکن الدوله (۹۷۵-۹۳۴) استخدام شده بود تا در قم به مرمت قبر حضرت معصومه، دختر هفتمین و خواهر هشتمین امامان معصوم شیعیان، بپردازد.

۸- ریاضی دان مشهور یونانی که در اسکندریه بود، او در حدود سال ۳۲۵ م. متولد شد و در سن ۸۴ سالگی درگذشت م.

۹- باد نام یکی از امام ماه فارسی و نام یکی از خان های قبله نما است و ابداً ربطی به باد که به معنی جا به جا شدن هوا می باشد ندارد و یکی از ۳۲ جهت قبله نما می باشد.

علی مظاهری، مجله ارمنان، سال سی و دوم، شماره ۹، ص ۳۸۶ م.